

دوتا ۱۹۱	تعلیم ۴۷
خدمات کلیسا : تربیت فرزندان در خانواده مسیحی .	
T = معلم ۱	S = معلم ۲

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید . با کمک این مجموعه فرصت خواهید یافت تا در مورد زندگی عملی جامعه مسیحی یاد بگیرید . در حالیکه به این برنامه گوش می کنید در یک دفترچه یادداشت بردارید یا برنامه را ضبط کنید . تعلیم امروز این است : تربیت فرزندان در خانواده مسیحی . یاد خواهید گرفت که کتاب مقدس چه تعلیمی در مورد این مسئولیت والدین یعنی بزرگ کردن بچه ها می دهد ، امروز بخصوص بر نمونه بودن و محبت کردن متمرکز می شویم .

بر طبق اشعیا ۴۳ : ۷ ، بچه ها توسط خدا و برای جلال او آفریده شدند . پس بر طبق مزمور ۱۲۷ : ۳ فرزندان ما متعلق به خدا هستند . خدا بچه ها را به والدین سپرده تا آنها را به جای او بزرگ کنند . در اول سموئیل ۱ : ۱۱ ، ۲۸ حنا برای داشتن فرزندی دعا می کند و زمانیکه خدا به او فرزندی می دهد او آن فرزند را برای تمام عمر وقف خدا می کند . خدا از تمام والدین می خواهد که به جای او و بر اساس ضروریاتی که او در کتاب مقدس تعلیم داده است فرزندان را تربیت کنند . خدا به والدین سه مسئولیت مهم داده است : به جا گذاشتن نمونه ، محبت کردن و تربیت کردن فرزندان .

(S) نکته ۱ . مسئولیت والدین در بجا گذاشتن نمونه ای برای فرزندان .

اول . در زندگی شخصی از خود نمونه ای به جا بگذارید . کتاب مقدس در مقابل نمونه بد والدین هشدار می دهد . در اول پادشاهان ۲۲ : ۵۲ می خوانیم که حزقیای پادشاه اسرائیل در برابر خدا شرارت می ورزید چون او به همان روش بد پدر و مادرش رفتار می کرد . کتاب مقدس تاثیر نمونه خوب والدین را هم نشان می دهد . در امثال ۳۱ : ۱۰ - ۳۱ در مورد تاثیر عالی نمونه خوب یک مادر می خوانیم . این قسمت می گوید که فرزندان و شوهرش از او حمایت کرده و او را تحسین می کنند چون او برکتی عالی برای آنها است . بسیار مهم است که والدین در این پنج زمینه نمونه ای از خود به جا گذارند : اطاعت ، صداقت ، احترام ، حکمت و محبت . امثال ۳ : ۳۳ تعلیم می دهد ، " لعنت خدا بر بد کاران است اما برکت و رحمت او شامل حال درستکاران می باشد . "

(T) دوم . در روابط زناشویی ، از خود نمونه به جا بگذارید . در افسسیان ۵ : ۲۲ - ۳۳ در مورد مسئولیت والدین نسبت به یکدیگر می خوانیم . بهترین راه برای اینکه بچه ها محبت کردن ، رهبری ، احترام و اطاعت را یاد بگیرند این است که هر روز بدون استثناء والدین خود را مشاهده کنند . مسئولیت خدادادی مادر این است که شوهرش را باید با محبت کردن ، احترام گذاشتن و اطاعت کردن از او خدمت کند . تیطس ۲ : ۴ تعلیم می دهد که مادران جوان باید شوهر و فرزندان را محبت کنند ، پرهیزگار و پاک باشند ، مشغول امور خانه باشند ، مهربان و مطیع شوهرانشان باشند تا هیچکس نتواند تهمتی به کلام خدا بزند . بخصوص وقتی بچه ها جوان هستند در خانه احتیاج به مادر دارند . احتیاج دارند که کسی آنها را محبت کند آنها را تربیت و تقویت کند تا رشد کنند . مسئولیت خدادادی پدر این است که باید زنش را با محبت کردن و رهبری کردن او خدمت کند . او باید به روشی که اول قرننیان ۱۳ تعلیم می دهد او را محبت کند . او باید همانطور که عیسی مسیح کلیسای مسیحی را هدایت می کند همسرش را رهبری نماید . عیسی مسیح در میان کلیسا حاضر و فعال است . همینطور ، بچه ها نیاز به پدری دارند که اغلب در خانه باشد و فعالیتهایی را به اتفاق همسر و فرزندان انجام دهد . فرزندان شاهد خواهند بود که چگونه پدرشان با محبت و رهبری کردن و مادرشان با محبت کردن و مدد کار بودن خدمت می کنند . و سپس بر طبق حزقیال ۱۶ : ۴۴ ، " چنان مادری ، چنین دختری هم باید داشته باشد . " و " چنین پدری چنین پسرانی هم باید داشته باشد . "

(S) سوم . هنگام پاسخ به شرایط موجود از خود نمونه ای به جا بگذارید . خیلی مهم است که بچه ها ببینند که والدین آنها چطور به سایر مردم و شرایط پاسخ می دهند برای والدین این فرصتی است که از محبت کردن مردم و از ایمانشان در حین برخورد با شرایط و از امید خود در هنگام شرایط دشوار ، نمونه ای از خود به جا بگذارند . اول تسالونیکیان ۵ : ۱۴ تعلیم می دهد ، " اشخاص تنبل و سرکش را تادیب کنید افراد محبوب و ترسو را دلداری دهید ، ضعفا را یاری نمایید ، نسبت به همه صبر و تحمل را پیشه کنید . " وقتی فرزندان ما ببینند که ما چطور نیازمندان را خدمت و تقویت می کنیم ، از ما نمونه ای یاد خواهند گرفت . وقتی ببینند که ما در چالش ها و یا شرایط دشوار به خدا اعتماد می کنیم اعتماد کردن را نیز

یاد خواهند گرفت . اما والدین باید بفهمند که فرزندان از نمونه بد آنها نیز پیروی خواهد کرد . پس والدین نباید انتقام جو و کینه ای باشند (اول پطرس ۲ : ۲۳) . نباید نسبت به سایر مردم منتقد باشند ، قضاوت و یا غیبت کنند .

(T) چهارم . در زمینه ارتباطان با خدا نمونه ای از خود به جا بگذارید . والدین باید از نحوه ارتباط با خدا نمونه ای برای فرزندان به جا بگذارند . والدین باید با یکدیگر و همراه با فرزندان هر روز کتاب مقدس را بخوانند و دعا کنند . در تثیبه ۶ : ۵ - ۶ خدا به والدین فرمان می دهد که آنها نخست باید خدا را با تمامی قلب و جان و قدرت خویش محبت کنند . والدین باید اجازه دهند که فرامین خدا در قلوب آنها حکومت کند و در مورد نحوه زندگی و رفتارشان آنها را هدایت کند . بچه ها باید ببینند که خدای کتاب مقدس که خود را از طریق عیسی مسیح آشکار کرد در اولویت نخست و مهمترین قسمت زندگی والدیشان است .

در متی ۱۰ : ۳۷ عیسی تعلیم می دهد ، ” اگر پسر و دختر خود را بیش از من دوست بدارید لایق من نیستید . “ پس والدین باید با این وسوسه مقاومت کنند که اجازه دهند خانه و خانواده دور بچه بگردند چون این باعث خود خواه شدن بچه ها می شود و آنها را تباه خواهد کرد . بلکه والدین باید به بچه ها کمک کنند که بالغ و مسئولیت پذیر شوند و شخصیت پیدا کنند . به علاوه در خانه و خانواده مسیحی نباید مرکز توجه ، تلویزیون یا کامپیوتر و یا حتی یک خدمت مسیحی باشد بلکه مرکز توجه فقط باید خداوند عیسی مسیح باشد .

(S) نکته ۲ . مسئولیت والدین در محبت کردن فرزند .

اول . والدین باید فرزندان خود را طبق اصول موجود در اول قرنتیان ۱۳ فرزندان را محبت کنند . بعضی والدین فکر می کنند محبت کردن فرزندان یعنی اینکه هر چه او بخواهد به او بدهند و یا به او اجازه دهند هر کاری دوست دارد بکند . فرهنگ بعضی از انسانها تعلیم می دهد که پسرها مهمتر از دخترها هستند و اینطور پسرها نسبت به مادر و خواهرانشان بی احترامند چون آنها زن می باشند . تمام اینها روش اشتباه محبت کردن است که بالاخره بچه را تباه می کند . محبت هرگز بچه ای را تباه نمی کند بلکه او را مطابق اصول موجود در اول قرنتیان ۱۳ تربیت می کند . صبر محبتی است که منتظر می ماند . محبتی نیست که مهربانی را به بچه تحمیل کند بلکه منتظر نشان دادن مهربانی می ماند . مهربانی محبتی است که کمک می کند و فرصت خوبی کردن به بچه ها را از دست نمی دهد . حسود نبودن محبتی است که سخاوتمندانه بچه را در مواردی که سزاوار باشد ، تحسین و تشویق و به او احترام می گذارد . فخر نکردن محبتی است که در مورد شایستگی ها و کارهای خود متواضع است و سعی نمی کند که بچه را نمایش دهد . مغرور نبودن محبتی است فروتن نسبت به ضعفها و قوتهای خود در ارتباط با فرزند . نداشتن اطوار ناپسند محبتی است که رفتار خوب و دقیقی نسبت به فرزند نشان می دهد . نفع خود را نطلبیدن محبتی است که فداکارانه به جای منافع خود به دنبال منافع فرزند خود است . دیر خشم بودن محبتی است که با بردباری صدمات و آسیب هایی را که بعضی مواقع بچه ایجاد می کند تحمل می کند .

(T) دوم . والدین با نشان دادن توجه کامل به فرزندشان آنها را محبت کنند . والدین نیاز دارند که به فرزندان توجه کامل نشان دهند وگرنه وقتی بچه ها به بلوغ می رسند آنها هم توجهی به والدین خود نشان نخواهند داد . والدین در سالهای بلوغ بچه ها چیزهایی را درو می کنند که در دوران کودکی آنها کاشته اند . (غلاطیان ۶ : ۷ - ۸)
یک . والدین باید به فرزندان خود گوش دهند . امثال ۱۸ : ۱۳ تعلیم می دهد ، ” چقدر زشت و ابلهانه است که انسان قبل از گوش دادن به سخنی به آن جواب دهد . “ والدین نباید دلبخواه به فرزندان گوش بدهند و نسبت به آنچه فرزندان می گویند پیش فرض داشته باشند . آنها باید صبور باشند و تا وقتی که بچه کاملاً سخنش را کامل کند به او گوش دهند . والدین باید آنچه بچه می گویند را جدی بگیرند و به بچه کمک کنند که احساس پذیرفته شدن کند (رومیان ۱۵ : ۷) . وقتی بچه ها احساس کنند که والدین آنها نسبت به آنچه بچه ها می گویند منتقدند یا آنها را مسخره می کنند پس احساس خواهند کرد که نه تنها والدینشان حرفهای آنها را رد می کنند بلکه خود آنها را نیز طرد می کنند . اگر بچه ای به حرف والدینش گوش نمی کند شاید به دلیل این باشد که والدینش به او گوش نمی دهند .

دو . والدین باید برنامه ریزی کنند که زمانی را به طور کامل و منظم با بچه ها بگذرانند . کارهای سازنده ای را با هم انجام دهید مانند بازی ، رفتن به گردش ، ساختن موسیقی با هم و گفتن داستان .

سه . والدین باید برای فرزندانشان پس انداز کنند . دوم قرنتیان ۱۲ : ۱۴ - ۱۵ تعلیم می دهد که والدین باید برای فرزندانشان پس انداز کنند . والدین باید به روشی فداکارانه فرزندان را محبت کنند . نباید فقط به خاطر اینکه برای آموزش عالی فرزندان پول خرج می کنند خوشحال باشند بلکه آنها باید بهترین ساعات زندگی خود را صرف انجام کارهایی به اتفاق فرزندانشان کنند . والدین فقط نباید برای آنها خرج کنند بلکه باید خود را صرف آنها کنند . والدین باید به آنها در خانه خوب آموزش دهند و بهترین تعلیم روحانی ممکن و تحصیلاتی خوب برای آنها فراهم کنند .

(S) سوم. والدین باید با رشد بلوغ و ایجاد وابستگی متقابل و سالم آنها را محبت کنند.

يك. والدین نباید غافل باشند. آنها باید به فرزندانشان یوغی بدهند که به آن عمل کند. مراثی ۳: ۲۷ می گوید، «خوبست انسان در جوانی بیاموزد که سختیها را تحمل کند.» خدا مسئولیت بزرگ کردن بچه ها را به والدینشان داده پس والدین نیز نباید نسبت به انجام مسئولیت خود نسبت به خدا غفلت کنند. رشد یا تربیت بچه ها نیاز به حکمت و وقت و تلاش بسیار والدین دارد. همچنین از جانب بچه ها نیز به وقت، تلاش و خود انضباطی آنها دارد. خدا به این والدین می گوید که نباید از اینکه فرزندانشان یوغ این فعالیتها، مسئولیتها و آموزشها را به عهده بگیرند، بترسند. وقتی بچه ها اوقات فراغت زیادی دارند احساس خستگی کرده و در انواع شیطنت ها و حتی جرائم درگیر می شوند. اما وقتی بچه با فعالیت ها و مسئولیتهایی سالم مشغول باشند به افرادی بالغ و مسئول مبدل می شوند. فعالیتها و مسئولیتهایی که بچه در فضای حمایت کننده خانه یاد می گیرد بعد ها او را قادر می سازد که همان کارها را در اجتماع انجام دهد. قسمتی از حمل این یوغ این است که به فرزندتان بیاموزید که نسبت به آنچه دارد قانع باشد. محبت واقعی این نیست که به فرزندتان هر چه می خواهید بدهید چون اینکار او را تباه می کند. اما وقتی فرزندتان یاد می گیرد که در شرایطی که همه چیز را ندارد قانع باشد همچنین نیز یاد خواهد گرفت که سازنده باشد و ابتکار عمل داشته باشد.

(T) دو. والدین نباید بیش از حد حمایتگر باشند. آنها باید از فرزندانشان در مشکلات حمایت کنند.

در اشعیا ۴۳: ۲ خدا به فرزندانش وعده می دهد، «هنگامی که از آبهای عمیق بگذری من با تو خواهم بود. هنگامی که سیل مشکلات بر تو هجوم آورد، نخواهم گذاشت غرق شوی. هنگامی که از میان آتش ظلم و ستم عبور کنی شعله هایش تو را نخواهند سوزاند.» زمانیکه والدین سعی می کنند فرزندانشان را از هر نوع خطر و بدی حفاظت کنند فرزند آنها هرگز یاد نخواهد گرفت چطور با خطرات مواجه شود و یا چطور با بدی مقاومت کند. او هرگز یاد نخواهد گرفت در زمانیکه سخت در مشکلات فرو می رود و یا با وسوسه های سخت مواجه می شود به کمک خدا اعتماد کند. والدین باید در مواقع ضروری از فرزندانشان حمایت کنند. و البته باید به فرزندانشان فرصت بدهند که تا با وسوسه ها، مشکلات و خطرات مواجه شود و بدین ترتیب فرصت یادگیری حکمت را داشته باشد، بتواند انتخاب و تصمیم گیری درست داشته باشد و به وعده های خدا اعتماد کند. در کنار فرزندتان باشید، او را تقویت کنید، به او مشورت حکیمانه بدهید و برای او دعا کنید تا مشکلات بر او غلبه نکنند. اما فرصت یادگیری را از او دور نکنید.

(S) سه. والدین نباید انحصار طلب باشند. آنها باید به فرزندانشان ایثار، شریک ساختن دیگران و خدمت کردن را بیاموزند.

مزمور ۱۲۷ قبلا به ما تعلیم داد که همه بچه ها متعلق به خدا هستند. پس والدین نباید انحصار طلب باشند و با بچه ها همانند قسمتی از دارایی خود رفتار کنند. بچه ها را خدا به والدین سپرده تا آنها را به جای او بزرگ کنند. محبت انحصار طلبانه والدین زمانی است که والدین می خواهند تمام افکار و اعمال بچه را بدانند. محبت انحصار طلبانه، در مواقع لازم، به بچه اجازه آزاد بودن نمی دهد. محبت انحصار طلبانه زمانی است که والدین سعی می کنند در مواقعی که لازم است فرزندانشان تصمیم بگیرد و انتخاب کند، به جای او اینکار را انجام بدهند. اگر والدین محبت انحصار طلبانه نسبت به فرزندانشان داشته باشند، فرزندانشان نیز انحصار طلبانه خواهد شد. آنها خود محور و خود خواه، حریص و خسیس، پنهانکار و مغرور خواهند شد. به جای این والدین باید این را هدف خود قرار دهند که به فرزندانشان بعضی ویژگی های مهم مثل فداکاری، سپهیم کردن دیگران و خدمت را یاد بدهند.

(T) چهارم. والدین باید با تادیب کردن آنها فرزندانشان را محبت کنند.

يك. تادیب یکی از راههای مهم محبت کردن بچه است.

افسیان ۶: ۴ می گوید، «فرزندتان را بیش از حد سرزنش نکنید مبادا دلگیر و عصبی شوند. ایشان را پند و نصیحت دهید.» توجه کنید که طبق کلام خدا، پدران مسئول تادیب و تربیت فرزندانشان هستند، گرچه بیشتر، مادران در عمل اینکار را می کنند. کلمه «تربیت» در این آیه بخصوص تربیت از طریق تادیب و اصلاح است. در عبرانیان ۱۲: ۱۰ - ۱۱ خدا منافع تادیب را تعلیم می دهد، «پدران ما به صلاحدید خود در دوران کوتاه کودکی مان ما را تادیب می کردند. اما تادیب خدا برای خیر و صلاح ماست تا مانند او پاک و مقدس گردیم تنبیه شدن خوشایند نیست بلکه دردناک است اما نتیجه آن، زندگی پاک و صفات پسندیده است که بعد از آن ظاهر خواهد شد.» تادیب در وهله نخست به معنی تنبیه کردن بچه ای نیست که اشتباهی انجام داده است بلکه به معنی تربیت اوست در راهی که باید برود (امثال ۲۲: ۶) پس محبت واقعی بچه را تادیب می کند. اما محبت بچه را به سختی مجازات نمی کند. چون خدا پدران را منع کرده که بچه ها را به خشم نیاورند. خشمگین کردن یعنی نا امید کردن. اگر پدر و مادری بچه خود را دوست دارند او را تادیب خواهند کرد اما او را نا امید نمی کنند. والدین باید مشوقین باشند.

(S) دو. تادیب یعنی قرار دادن چهارچوب یا محدودیتهایی در قسمتهای مهم زندگی. اگر پدر و مادری فرزندان خود را دوست دارند به آنها آزادی نامحدود نمی دهند. محبت واقعی دایره ای بدور او می کشد تا بچه بتواند تفاوت بین درست و غلط و خوب و بد را بداند. قرار دادن چارچوبهایی مشخص در اطراف بچه به او کمک می کند تا در این محدودیتها احساس امنیت کند. محدودیتها به بچه کمک می کنند که درک کنند که اگر از دایره آنها خارج شود عواقب بد و ناراحتی به بار خواهد آورد. محدودیتها مانند حصار هستند. آنها بچه را محافظت می کنند و به او کمک می کنند تا بداند و مطمئن باشد که تا وقتی که در درون این حصار بماند کارهایی را انجام خواهد داد که والدینش را خشنود می کند. محدودیتها و این چارچوبها را می توان در قوانین خانگی يك خانواده خلاصه کرد. والدین خیلی واضح با بچه در میان می گذارند که این قوانین خانگی چه مواردی هستند و چرا اهمیت دارند. والدین نباید قوانینی غیر ضروری داشته باشند بلکه آنها باید محدودیتهایی واضح وضع کنند برای مثال والدین باید بخصوص فرزندانشان را در زمینه اساسی تادیب کنند: برای نا اطاعتی، برای عدم صداقت مانند دروغگویی و برای بی احترامی (افسسیان ۶: ۱ - ۳ و لوقا ۲: ۴۸ - ۵۱). قرار دادن چارچوبهای واضح برای بچه تنها راه ایجاد امنیت برای بچه است چون بچه همیشه می داند چکاری باید بکند و چه کاری را نباید بکند. وقتی فرزند یاد گرفته است که به چارچوبها و محدودیتها در خانه احترام بگذارد، به چارچوبها و محدودیتها در اجتماع و در ملکوت خدا نیز احترام خواهد گذاشت.

(T) سه. تادیب یعنی توبیخ و اصلاح فرزند. امثال ۲۷: ۵ می گوید، "سرزنش آشکار از محبت پنهان بهتر است." در اول سموئیل ۲: ۲۲ - ۴۳ و ۳: ۱۲ - ۱۳ می خوانیم که ایلی دو پسر داشت. پسرانش بسیار اعمال شریرانه انجام می دادند. ایلی با فرزندانش زیاد حرف می زد اما آنها را توبیخ یا منع نمی کرد. او از آنها می پرسید، "چرا چنین می کنید؟" این سؤال توبیخی درست نیست بلکه درخواست توقف است. ایلی باید از پسران شریرش می پرسید، "چکار کرده اید؟" او باید آنها را با شرارتشان و عواقب شرارتشان مواجه می ساخت. او باید پسرانش را توبیخ می کرد. توبیخ کردن شامل چندین جنبه اصلاح است: والدین با علنی کردن گناهی که بچه مرتکب شده آغاز می کنند. بچه باید خیلی واضح بداند گناهش چیست. والدین، بچه را متقاعد می کنند چرا اینکار در نظر خدا یا از نظر والدین اشتباه است. والدین، بچه را نسبت به جدی بودن گناهش محکوم می کنند تا او احساس گناه کند و از خطایش شرمند شود. پس والدین، بچه را با سرزنش یا مخالفت با رفتارش توبیخ می کنند. در صورت لزوم زمانیکه بچه سعی می کند بدون منطق خود را تیرئه کند والدین می توانند صحبتهای او را اشتباه بدانند. پاسخ صحیح بچه توبه، درخواست بخشش و اصلاح راهش است. پاسخ درست والدین بخشش، تایید مجدد و تشویق بچه است. بالاخره والدین با کمک کردن به بچه به رفتن در راهی که باید برود او را اصلاح می کنند.

(S) چهار. تادیب یعنی اجرای سریع مجازات. اگرچه در ناطاعتی خود با حماقت، تکبر یا یاغیگری، سخت کردن قلب خود در مقابل والدین و یا مخالفت با اقتدار والدین پافشاری می کند، والدین او باید او را به روشی درست تنبیه کنند. جامعه ۸: ۱۱ تعلیم می دهد، "وقتی خداوند گناهکاران را فوری مجازات نمی کند. مردم فکر می کنند می توانند گناه کنند و در امان بمانند." زمانیکه صاحب منصبان دولت يك کشور سریعاً مجرمین را مجازات نمی کنند، مجرمین بیشتر متکبر شده و مرتکب جرائم بیشتری می شوند. به همین صورت وقتی والدین سریعاً و بوضوح تادیب را اجراء نمی کنند پس بچه نیز گیج خواهد شد که آیا والدینش جدی هستند یا نه. بچه ای بیشتر و بیشتر مطرود شده و مرتکب اشتباه می شود و بچه دیگری بیشتر و بیشتر متزلزل شده و دچار مشکلات روانی خواهد شد.

بعضی مواقع لازم است که در تنبیه بچه از چوب استفاده کرد. امثال ۲۳: ۱۳ - ۱۴ تعلیم می دهد، "از تادیب کردن فرزند خویش کوتاهی نکن چوب تنبیه او را نخواهد کشت بلکه جان او را از هلاکت نجات خواهد داد." امثال ۲۰: ۳۰ تعلیم می دهد، "تنبیه برای بدن دردناک است اما دل را از بدی پاک می کند." از دست خود برای زدن بچه استفاده نکنید چون او همیشه از دستان شما خواهد ترسید. بلکه از چوب به عنوان "سمبل مجازات" استفاده کنید. بچه اگر خطایی کند از چوب خواهد ترسید اما او دچار مریضی ترس نسبت به والدینش نخواهد شد.

(T) تکلیف برای هفته آینده

اول. آنچه کتاب مقدس در مورد بزرگ کردن بچه ها تعلیم می دهد به مردم آموزش دهید. مطمئن شوید که از اصول کتاب مقدس به عنوان اساس تربیت استفاده می کنید.

دوم. کتابهای دستور عمل "بروید و کلیسای مسیح را بنا کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید.

سوم. هر شبانه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش کنید.